

واکاوی مبانی و روش‌های آیت‌الله علوی گرگانی (ره) در اعتبارسنجی احادیث*

سید محمدحسین شاه‌ولایتی**

چکیده

عالمان دینی در اعتبارسنجی روایات، دارای مبانی و روش‌های ویژه‌ای بوده‌اند. آیت‌الله العظمی علوی گرگانی (م ۱۴۴۳ق)، فقیه و اصولی برجسته قرن پانزدهم و دارای آثار علمی بسیار که دیدگاه‌های فقهی، اصولی و سیاسی ایشان در کتاب‌های وی مشهود است؛ اما به‌طور مستقل به رویکردهای او درباره اعتبارسنجی روایات توجه نشده، در حالی که بسیاری از دیدگاه‌های حدیثی و رجالی وی در آثار فقهی و اصولی ایشان منعکس گردیده است. در پژوهش حاضر تلاش شده تا با مطالعه و دقت در سخنان آیت‌الله علوی گرگانی مبانی و روش‌های او در گستره اعتبارسنجی احادیث مورد واکاوی و تحلیل قرار گیرد. برخی از مبانی و روش‌های ایشان در اعتبارسنجی احادیث عبارت‌اند از: ۱. اهتمام به عمل اصحاب به روایت و اعراض آنان در اعتبارسنجی اخبار؛ ۲. رویکرد موثوق الصدوری نسبت به روایات؛ ۳. اعتنا به برخی توثیقات عام؛ ۴. کاربست امارات مثبت صدور روایت و....

واژگان کلیدی: آیت‌الله علوی گرگانی، اعتبارسنجی، موثوق الصدور، شهرت.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۲ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳.

** مدرس و دانشجوی دکتری علوم حدیث تطبیقی، جامعه المصطفی العالمیه؛ (mostahfez257@gmail.com).

مقدمه

فقیهان امامیه در کار بست دانش رجال به عنوان بارزترین و شاید مهم‌ترین بخش از فرایند اعتبارسنجی احادیث یکسان نبوده و نیستند. البته هیچ فقیهی پیش از اطمینان به صدور گزارش از معصوم علیه السلام و یا اقامه حجت بر آن، اقدام به فتوادادن بر مضمون خبر نخواهد کرد؛ هر چند هر یک از آنان شیوه خاص خود را در این راستا پیش گرفته‌اند.

۱۳۰



سید محمد حسین شاه ولایتی

بیشینه فقیهان که با روش جمع الظنون و با گردآوری قرائن به استنباط احکام می‌پردازند - که در اصطلاح به این روش فقه جواهری گفته می‌شود- غالباً در دو جا به مباحث اعتبارسنجی و رجالی روایات پرداخته‌اند و از طرح این نکات در موارد دیگر پرهیز نموده‌اند؛ نخست، در جایی که ادله با یکدیگر تعارض دارند و فقیه به اسباب گوناگون، مایل به یک طرف از دو دلیل گشته است؛ در اینجا با طرح بحث‌های سندی و رجالی از یک دسته از احادیث دفاع کرده یا روایات طرف مقابل را به چالش می‌کشد. نکته قابل توجه آن است که همین فقیه چه‌بسا در موارد بسیار دیگر که تعارضی در کار نیست این اشکال‌ها را وارد ندانسته و روایات را پذیرفته است. دوم، در جایی که بنیان فرع فقهی محل بحث، مبتنی بر یک یا دو روایت باشد و اجماع یا شهرتی هم در دست نیست تا فقیه حدیث را به اعتضاد و پشتوانه آنها بپذیرد؛ در اینجا نیز فقیه وارد بحث‌های اعتبارسنجی شده تا با اثبات صدور حدیث از معصوم علیه السلام و در پی آن تحصیل حجت شرعی، اقدام به صدور فتوی کند.

نکته یادشده با مراجعه به کتب فقیهانی که با روش قناعت محور و برای تحصیل اطمینان به حکم شرعی استنباط می‌کنند، بیش از پیش روشن خواهد شد. کتاب جواهر الکلام، ریاض المسائل، آثار فقهی شیخ انصاری و... بهترین نمونه برای تصدیق این مدعی هستند.

در مقابل گروه نخست، فقیهانی هستند که مباحث سندی و رجالی نزد آنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ایشان مادامی که سند حدیث را تصحیح و راویان آن را توثیق نکرده‌اند به سراغ بررسی دلالت آن نمی‌روند. توجه به قرائن صدور غیر از سند و راوی در این روش بروزی ندارد در نتیجه دامنۀ روایاتی که مورد استفاده و استناد این‌گونه فقیهان قرار می‌گیرد بسیار محدودتر از فقهای گروه اول خواهد بود. فقیهان رجال محور، بنا بر زیرساخت‌ها و مبانی فکری که در دانش اصول و رجال به آن دست یافته‌اند تک‌تک اخبار را مورد بررسی سندی قرار داده و اگر حدیثی فاقد معیارهای لازم برای

پذیرش باشد آن را کنار گذاشته و بدان استناد نخواهد کرد.^۱

الف. کلیات اعتبارسنجی

آیت‌الله علوی گرگانی را باید از فقیهانی دانست که با روش جواهری و جمع‌الظنون به استنباط می‌پردازند. ایشان همواره به دنبال تحصیل اطمینان به صدور گزارش از معصوم علیه السلام بوده و شیوه‌های متنوعی را در این زمینه به کار بسته‌اند. آیت‌الله علوی در موارد بسیاری بدون ورود به مباحث رجالی روایات را یکی پس از دیگری گزارش نموده و در پایان به مفاد آنها فتوا می‌دهند با آنکه همه یا بسیاری از آن روایات از نگاه صدوری و یا مصدري قابل خدشه و مناقشه هستند.^۲

برای مثال ایشان در جایی، پس از بیان چند روایات مانند حدیثی از کتاب ارشاد القلوب دیلمی و خبری مرسل از کتاب من لا یحضره فقیه و حدیثی مکاتب‌های و نیز روایتی از سکونی که هر کدام از آنها اگر جداگانه بررسی شوند چه‌بسا مورد تردید واقع شده و پذیرفته نشوند می‌نویسد:

استدلّ للاول بعدة اخبار... حیث یفهم من مجموع هذه الاخبار...^۳

می‌توان گفت روایاتی که ایشان به مباحث صدوری و سندی آنها پرداخته‌اند غالباً مبتلی به معارض قوی‌تر بوده به گونه‌ای که ترجیح با یک طرف از ادله بوده است. برای نمونه ایشان اضمار را - به‌ویژه آنکه از اجلا بوده باشد - قاذح و مخل به اعتبار حدیث ندانسته و به مضمرات عمل کرده‌اند:

والحدیث وإن كان مضمراً، إلا أنّ شأن معاوية بن عمّار أجلّ من أن یروی عن غیر الإمام، فسند الحدیث معتبر.^۴

اما به هنگام تعارض خبر مضمّر با روایت معارض اقوی، اضمار را نقطه ضعف روایت می‌انگارند:

لا یمکن استفادة الحرمة من هذه لكونها مضمرة ولم یذكر الإمام المنقول عنه

۱. بی تردید این تقسیم‌بندی غالبی بوده و شامل همه فقها نخواهد بود چه آنکه شالوده‌های فکری و مبانی بزرگان یکسان نبوده و گاهی تفاوت‌های بسیاری در آن دیده می‌شود. برای آگاهی بیشتر و دقیق‌تر از مباحث روش‌شناسی اجتهاد مطالعه مقاله «مقایسه روش اجتهادی صاحب جواهر و محقق خویی» اثر آیت‌الله علی‌دوست و محمدجواد لطفی پیشنهاد می‌شود.

۲. برای نمونه ر.ک: المناظر الناضرة (صلات)، ج ۱۲، ص ۹ و المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۹، ص ۱۷ به بعد.

۳. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۱، ص ۳۳.

۴. المناظر الناضرة (زکات)، ج ۱، ص ۵۵.

فكيف يمكن اعتماداً عليها من رفع اليد عن مثل تلك الأخبار التي قد عرفت
كثرتها وكثرة صحاحها...^۱

نمونه دیگر افتادگی در سند و ارسال روایت است که در موارد فراوانی حدیث مرسل را یادآور شده
و بدان فتوا داده‌اند^۲ اما در هنگام تعارض، ارسال را قادح دانسته و خبر را به جهت ارسال نمی‌پذیرند^۳.

ب. پیرامون حجیت خبر واحد

در میان فقیهان امامیه معاصر غالباً دو نگاه کاملاً متفاوت درباره حجیت خبر واحد وجود دارد؛
نخست حجیت خبر موثوق الصدور و دیگر حجیت خبر ثقه. توضیح آنکه گروه نخست، خبر واحد را
در جایی حجت می‌دانند که وثوق و اطمینان به صدور آن از معصوم علیه السلام داشته باشند خواه این
اطمینان به خاطر گزارش راوی ثقه باشد و یا شواهد و قرائن اطمینان‌زای دیگر اعم از شواهد
صدوری، متنی، مضمونی و... در مقابل، گروه دوم، موضوع حجیت را خبری دانسته که راوی ثقه از
ثقه تا معصوم علیه السلام بدون افتادگی در سند نقل کرده باشد خواه وثوق به صدور آن حاصل شود یا نشود
هرچند در صورت پیدایش اطمینان شخصی نزد فقیه به مفاد خبر ترتیب اثر می‌دهند که آن هم
به خاطر حجیت اطمینان است نه خبر واحد. پر واضح است که این دو دیدگاه برخاسته از
برداشت‌های گوناگون فقیهان از ادله حجیت خبر واحد اعم از آیات، روایات، سیره عقلا و... است.^۴

آیت‌الله علوی گرگانی از باورمندان به حجیت خبر موثوق الصدور است؛ وی تمام کوشش خود را
به کار می‌بندد تا شواهدی را به هدف اطمینان به صدور خبر اقامه کند و انصافاً در این جهت موفق
بوده‌اند. ایشان در کتاب ارزشمند «لثالی الاصول» در چند موضع مبنای خود را به روشنی تبیین
می‌کنند. وی مستفاد از روایات باب را خبر موثوق الصدور دانسته نه خبری که راویان آن همگی از
ثقات‌اند:

وغير ذلك من الروایات الواردة فی الباب الحادی عشر من أبواب صفات القاضی
فی الوسائل فی حقِّ العُمري وابنه، والتقفی، ومحمد بن مسلم، والأسدی یعنی

۱. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۴، ص ۹۵.

۲. برای نمونه ر.ک: المناظر الناضرة، (صلاة)، ج ۱، ص ۲۷۲ و المناظر الناضرة (زکات)، ج ۱، ص ۲۶۵.

۳. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۵، ص ۱۹.

۴. برای نمونه بنگرید: مصباح الاصول (محقق خوئی)، الكافي في الاصول (السيد الحكيم) والمبسوط (جعفر سبحانی) و... ذیل بحث ادله حجیت خبر واحد.

أببصير وغيرهم، حيث يستفاد من مجموعها اعتبار الخبر الموثوق به.^۱

ایشان در جای دیگر می نویسد:

فالإنصاف أن ما استدلوا به على حجبه خبر الواحد من الوجوه الأربعة أو الثلاثه العقلية بتقريباته، مما لا يستقيم، ومما لا يضمن ولا يعنى عن جوع. مع أن المسألة في غنى عن ذلك، لأنه يكفي لإثبات حجبه الخبر الموثوق به ما تقدم من الأدلة والأخبار، وعمدتها الطريقة العقلية مع عدم ردع الشارع عنها.^۲

آیت الله علوی به این دیدگاه - حجیت خبر موثوق الصدور - در سراسر فقه خود ملتزم بوده و در برخی موارد به آن تصریح می کند. برای نمونه در جایی می نویسد:

مضافا الى أن المدار في الحجية كون الخبر موثوق الصدور ولو كان حصول ذلك من الخارج فيكون هذا الخبر في أعلى درجات الوثوق لاعتماد الاصحاب عليه قديما وحديثا.^۳

ج. نقش شهرت در اعتبار حدیث

اشاره شد که آیت الله علوی گرگانی پیوسته به دنبال جمع شواهد و قرائن است تا با انضمام آنها به یکدیگر از صدور حدیث، اطمینان حاصل کند. یکی از برجسته ترین این شواهد که وی به صورت چشم گیری در سرتاسر آثار فقهی خود از آن به هدف وثوق به صدور بهره برده، شهرت فتوایی است.^۴ ایشان فتوای مشهور را جابر ضعف سند و اعراض ایشان را کاسر و سبب وهن روایت می انگارد. این اهتمام به شهرت فتوا در فقه ایشان به حدی پر رنگ است که می توان ایشان را «فقیه مشهوری» نامید. آیت الله علوی گرگانی در برخی مواضع به صراحت بیان می کند که فتوای مشهور جابر ضعف سند و اعراض ایشان کاسر قوت آن خواهد بود.

برای مثال در جایی می نویسد:

قد حَقَّقنا فی محلّه أن إعراض الأصحاب عن رواية كما هو موهن لها، يكون عمل الأصحاب وشهرتهم جابراً كما عليه أكثر المحققين من المتقدمين

۱. لثالي الأصول، ج ۵، ص ۲۲.

۲. لثالي الأصول، ج ۵، ص ۷۸.

۳. المناظر الناضرة (زکات)، ج ۲، ص ۱۸، نیز بنگرید: المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۵، ص ۴۸۷.

۴. برای نمونه ن. ک: المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۱، ص ۲۶۰ و المناظر الناضرة (صلوات)، ج ۸، ص ۱۱۹ و....

والمتأخرین.^۱

آیت الله علوی همانند بسیاری از فقیهان، شهرتی را قابل اعتنا می‌دانند که میان قدمای اصحاب پدید آمده باشد. ایشان در کتاب **لنالی الاصول** می‌نویسد:

أَنَّ المراد من المشهور الذي يعدّ جابراً عند الموافقه، وكاسراً لدى المخالفه والإعراض هوشهرة قدماء الأصحاب الذي كان عصرهم قريباً لعصر الأئمة عليهم السلام، ونحتمل في حقهم قویاً تحصيل الواقع عنهم عليهم السلام لا مطلق المشهور حتّى يشمل مثل المشهور عند المتأخرين؛ لأنّ شهرتهم ليست إلّا مستنداً إلى الأدلّه الموجوده المتداوله في الكتب لا إلى دليلٍ وراء ذلك حتّى يُقال بحجّيتها...^۲

نیز در موضعی از مباحث فقهی شان می‌نویسد:

... و إرسال الحديث ورفعہ منجبر بالشهرة الواقعة بين الأصحاب، خصوصاً

بين المتأخرين، وإن لم تكن شهرتهم كشهرة المتقدمين جابرة للسند...^۳

درست است که ایشان در بیشینه موارد شهرت قدمائی را کارآمد و جابر ضعف سند می‌دانند؛ اما در برخی موارد از شهرت متأخران در اعتبار احادیث بهره می‌برند.^۴

آیت الله علوی گرگانی برخلاف برخی عالمان که در جابریّت شهرت، استناد فتوادهندگان به خبر ضعیف را معتبر می‌دانند این قید را لازم ندانسته و بدان تصریح می‌کنند. برخی فقیهان هنگام کار بست فتوای پیشینیان به هدف جبران ضعف سند روایت، استناد آنان در فتوا به خبر ضعیف را شرط می‌دانند و در صورتی که فتوای مشهور مستند به حدیث ضعیف نباشد در تدارک ضعف صدور، کارآمد نخواهد بود.^۵ آیت الله علوی اما در کتاب اصولی خود این گونه می‌نویسد:

إنّ الانجبار بعمل الأصحاب لا يستلزم أن يكون بصورة ذكر الخبر في كتبهم استناداً إلى الخبر الضعيف كما توهم، بل يكفي كون فتواه مطابقاً له على حسب مبناه في سائر الموارد، فلا معنى حينئذٍ لتوهم أنّ فتواه اجتهاداً قد لا يكون

۱. المناظر الناضرة (خمس)، ص ۵۴، نیز بنگرید: المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۲، ص ۱۲۰.

۲. لنالی الاصول، ج ۵، ص ۵۳.

۳. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۳، ص ۴۵۹، نیز بنگرید: المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۱، ص ۱۸۳.

۴. برای نمونه بنگرید: المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۱، ص ۳۵۰.

۵. مصباح الاصول، ج ۱، ص ۱۶۶.

مستنداً إلى الخبر الضعيف وإن طابقه في الحكم والنتيجة، لأنّ هذا يصحّ في حقّ المتأخّرين دون القدماء، وعليه فالقول بالانجبار بشهرتهم كما عليه الأكثر أمرٌ متين عندنا كما عليه جماعه من الأصحاب رضوان الله عليهم.^۱

وی در ضمن یکی از مباحث فقهی خود می‌نویسد:

وما قيل في ردّ الإنجبار بأنّ الإنجبار بفتوى المشهور (لا) يتم ما لم يكن استنادهم إليها في الفتوى لا يخلو عن إشكال كما عن المصباح للهمداني. غير مسموع لما ذكرنا كرارا بأنّ الانجبار لا يحتاج الى الاستناد بل يكفي كون مضمونه معمولاً به عند الأصحاب كما أن إعراض الأصحاب عملاً يكفي في وهنه...^۲

شهرت جابر ضعف سند روایت عامی

بحث دیگر آن است که آیا شهرت تنها ضعف روایات گزارش شده از طریق راویان امامی و یا روایات وارده در منابع حدیثی شیعی را جبران می‌کند یا آنکه جابر ضعف سند به خاطر عامی بودن آن نیز خواهد بود؟ آیت‌الله علوی شهرت را مطلقاً جابر انگاشته و می‌نویسد:

ولقد أورد عليهما أولاً من جهة ضعف السند لأنهما منقولان عن طرق العامة دون الخاصة ولا نعثر في كتبهم عنهما عين ولا أثر. ولكن الجواب هو أن ضعف السند منجبر بعمل الأصحاب وشهرتهم حيث أفتوا على مضمونها فهو يكفي في الإنجبار خلافاً لصاحب الحدائق وتبعه صاحب الجواهر... فضعف سندهما يستلزم الإعراض عنهما وإلا يرد هذا الاشكال في قاعدة «الناس مسلطون على أموالهم» وهو حديث نبوي منقول عن طريق العامة وليس له ذكر في كتب الخاصة ويستدل به الفقهاء الإمامية في أبواب التجارة وهو واضح.^۳

یا در جای دیگر می‌فرماید:

فنقول ما يدل على لزوم كون التطهير بالثلاثة وعدم كفاية الأقل هو ما روى عن العامة عن سلمان ... وخبر نبوي آخر ... فهذه الروايات وإن كانت عامية إلا

۱. لئالي الأصول، ج ۵، ص ۵۵.

۲. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۴، ص ۳۴۸.

۳. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۲، ص ۱۴۵.

أَنَّهُ لَا بَأْسَ بِهَا إِذَا كَانَتْ مَعْمُولًا بِهَا عِنْدَ الْأَصْحَابِ وَعَلَيْهِ الْفَتْوَى.^۱

شهرت جابر ضعف دلالت

یکی از مباحث مرتبط با قاعده جابریّت شهرت آن است که در فرض پذیرش کبرای این قاعده، آیا شهرت فتوا به همراه استناد قدما به یک روایت، جابر ضعف دلالت آن خبر نیز هست یا خیر؟ به بیان دیگر اگر روایتی صراحت در مطلوب نداشته باشد اما پیشینیان مطابق با آن فتوا داده باشند، عمل آنان جبران کننده این ضعف دلالت خواهد بود یا خیر؟

فقیهان در این مسأله هم نظر نیستند؛ برخی چون صاحب جواهر بر این باورند که شهرت افزون بر جبران ضعف سند، جابر ضعف دلالت نیز خواهد بود.^۲ در مقابل گروه دیگری از فقها مانند میرزا محمدتقی آملی شهرت را جابر ضعف دلالت نمی دانند.^۳

آیت الله گرگانی همان گونه که جابریّت شهرت برای سند را پذیرفته است آن را جابر ضعف دلالت هم دانسته است. برای نمونه در جابریّت عمل مشهور در مورد قاعده جَبِّ می نویسد:

فثبت أن حدیث الجب قابلٌ للاستناد و الاعتماد علیه و منجر بعمل الأصحاب
سنداً و دلالة.^۴

د. کاربست اصطلاحات رائج دانشی

نکته قابل توجه در آثار آیت الله علوی گرگانی دقت وی در کاربست اصطلاحات رائج رجالی است. بهره جویی از واژگان اختصاصی دانش رجال و درایه مانند مفاهیم وثاقت^۵ و ضعف^۶ فساد مذهب^۷

۱. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۲، ص ۱۵۷.

۲. «و في خبر عمرو بن سعيد سبع دلاء، لكن لا يبعد الأول لانجبار ضعف الدلالة بالشهرة على تقدير تحققها...» (جواهر الكلام، ج ۱، ص ۲۳۶).

۳. «مضافا الى ما في الاستناد الى فهم الأصحاب في الاستظهار مما لا يخفى فان عملهم أوفهمهم من الحديث يمكن جبر ضعف السند به دون ضعف الدلالة كما ثبت في الأصول» (مصباح الهدى، ج ۱۲، ص ۲۱۷).

۴. المناظر الناضرة (زکات)، ج ۱، ص ۳۶۸.

۵. المناظر الناضرة (صلاة)، ج ۱، ص ۴۰۹.

۶. المناظر الناضرة (صلاة)، ج ۲، ص ۳۹.

۷. المناظر الناضرة (زکات)، ج ۱، ص ۳۱۳.



تواتر،^۱ استفاضه،^۲ اقسام چهارگانه خبر واحد - صحيح،^۳ موثق،^۴ حسن^۵ و ضعيف^۶ - و نيز اصطلاحاتى چون مضمرة،^۷ مرسله،^۸ مرفوعه،^۹ مقطوعه،^{۱۰} معتبره^{۱۱} و... حاكى از آگاهى ايشان از اصطلاحات دانش‌هاى حديثى است. نکته قابل توجه آنكه وى، هر چند به گستردگى از مصادر رجالى در توثيق و تضعيف راويان و ديگر مباحث رجالى بهره برده است ولى هيچ سخنى پيرامون اعتبار منابع رجالى نفيًا يا اثباتًا بيان نكرده‌اند.

بسيار پيش مى‌آيد كه آيت‌الله علوى گرگانى براى حل برخى معضلات سندی همچون اشتراك عناوين راويان، وارد مباحث رجالى مى‌شوند. براى نمونه وى با توجه به مشايخ حديثى راويان به تمميز ميان آنان مى‌پردازد:

و اعترض عليه: باشتراك الراوى عن الصادق أيضاً، إلا أن هذا الراوى ثقة؛
 بقرينة رواية ابن أبى نجران، عن عاصم بن حميد، عنه، فكان المراد من محمد
 بن قيس هو البجلي أبونصر الذى كان ثقة وعيناً، كما، عن جامع الرواة
 للأردبيلي والشيخ والنجاشي فأشكال السند مرتفع جداً.^{۱۲}

يا در جاى ديگر با لحاظ اسانيد ديگر حديث به حل ابهام سند پرداخته‌اند:

فقد أورد عليه من جهة السند من جهات ثلاثة، تارة: من ضعفه بواسطة كون
 الراوى الوسيط هو أحمد بن محمد بن يحيى وهو مجهول الحال كما ذكره
 صاحب المدارك وشيخنا البهائى على ما قيل. وأجيب عنه: كما فى الحدائق
 بأن هذا الإشكال يرد على سند الشيخ فى التهذيب حيث قد نقل عن أحمد بن

۱. المناظر الناضرة (صلاة)، ج ۴، ص ۴۱.
۲. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۲، ص ۵۷.
۳. المناظر الناضرة (خمس)، ص ۲۴۷.
۴. المناظر الناضرة (صلاة)، ج ۷، ص ۲۱۹.
۵. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۳، ص ۴۹.
۶. المناظر الناضرة (خمس)، ص ۵۴.
۷. المناظر الناضرة (زكات)، ج ۱، ص ۲۶۹.
۸. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۳، ص ۵۸.
۹. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۳، ص ۹۲.
۱۰. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۴، ص ۴۲۲.
۱۱. المناظر الناضرة (خمس)، ص ۲۲۶.
۱۲. المناظر الناضرة (زكات)، ج ۱، ص ۶۸.

محمد بن یحیی بخلاف سند الكلینی فأنه صحیح لأنه قد روی كما فی وسائل الشیعة عن محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد عن عثمان بن عیسی عن ابن مسكان عن أبی بصیر والظاهر أن أحمد بن محمد هو أحمد بن محمد بن عیسی - لروایة محمد بن یحیی عنه وروایته أيضا عن عثمان بن عیسی وهوثقة جلیل القدر - لا أحمد بن محمد بن یحیی الضعیف كما فی التهذیب.^۱

هـ. راه‌های تحصیل وثوق به صدور روایت

آیت‌الله علوی گرگانی تدبیرهای متنوعی را به هدف اطمینان به صدور گزارش به‌کار بسته است. این راهکارها و روش‌ها را در سه محور «سند و راوی»، «مبنا گزارشگر خبر» و «مضمون حدیث» پیگیری می‌کنیم و در پایان نیز به اماراتی که ذیل هیچ کدام از بخش‌های یادشده قرار نمی‌گیرند اشاره خواهد شد.

۱. سند و راویان حدیث

شاید بتوان سند و رجال گزارشگر حدیث را به‌عنوان مهم‌ترین شاخصه برای اعتبارسنجی و اطمینان به صدور خبر از معصوم علیه السلام دانست. آیت‌الله علوی در موارد فراوانی با بررسی سند و گزارشگران حدیث، وضعیت خبر را از حیث اعتبار معین ساخته‌اند. بی‌تردید راه‌های تحصیل وثوق به صدور، منحصر در سند و رجال آن نیست؛ هرچند مطالعه و تأمل در احوال راویان تا حد زیادی به پیدایش اطمینان نزد فقیه یاری رسانده و دست کم بی‌تأثیر نخواهد بود.

آیت‌الله علوی گرگانی سه روش را در توثیق راویان به‌کار بسته است؛ نخست، توثیقات خاصه که عبارت است از آنکه معصوم علیه السلام یا یکی از رجالیان متقدم مانند نجاشی و شیخ طوسی راوی را توثیق کرده باشند. ناگفته نماند که در پذیرش توثیقات متأخران میان فقها اختلاف است و دیدگاه آیت‌الله علوی در این راستا تبیین خواهد شد. دوم، توثیقات عام شیوه دیگری از توثیق است که راویانی به‌صورت عام و به‌صورت ضمنی در قالب عناوینی کلی مانند مشایخ ثقات، توثیق می‌شوند. سوم، امارات توثیق که شخصی در کلام یا عمل به توثیق دیگری نمی‌پردازد اما شواهدی بر وثاقت راوی وجود دارد که به آن اماره توثیق گفته می‌شود مانند آنکه وکالت راوی از معصوم نوعا با وثاقت وی تلازم دارد.

۱. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۱، ص ۲۲۲.

۱/۱. توثیقات خاص

همان طور که بیان شد توثیق خاص یعنی شخص خاصی که توثیق وی معتبر است یک یا چند راوی معین را توثیق کند مانند اینکه معصوم علیه السلام در حق کسی بگویند: «فلان ثقتی و معتمدی» یا آنکه نجاشی بگوید: «فلان ثقة» یا آنکه «بنوفلان کلهم ثقات». این نوع توثیق آسوده‌ترین راه احراز وثاقت راوی به‌شمار می‌رود.

توصیفات رجالی قدماء

توصیفات رجالی اعم از توثیق و مدح و نیز تضعیف و ذم که از سوی اصحاب متقدم انجام گرفته است بنابر باور پیشینه عالمان و فقیهان، غالباً معتبر و کارآمد خواهد بود^۱ چراکه توصیفات ایشان از روایات به‌خاطر نزدیک بودن به عصر حضور امامان علیهم السلام و در دست داشتن بسیاری از قرائن مورد پذیرش واقع می‌شود. آیت‌الله علوی گرگانی در نمونه‌های قابل توجهی با استناد به توصیفات دانشیان رجال متقدم، وضعیت راوی و در پی آن خبر را روشن ساخته‌اند.

برای مثال ایشان در توثیق ابو خدیجه از منابع قدمائی در توثیق وی بهره برده‌اند:

فإنَّ هذا الحديث لا يقدر على المقاومة للمعارضة؛ لضعف سنده؛ لما ورد من الكلام والنقض والإبرام في حق أبي خديجة، ولكنَّ الأكثر على أنَّه ثقة؛ لأنَّ الشيخ؛ وإنَّ ضعفه في موضع لكن وثقه في موضع آخر، مع أنَّ النجاشي أحد أركان أهل الرجال قد وثقه مؤكداً، كما قد وقع التوثيق في من قبله من أحمد بن عائد أو عبد الرحمن أبي هاشم.^۲

وی در موضع دیگری در تضعیف سهل بن زیاد در مورد روایتی که اصحاب از آن اعراض کرده‌اند از گزارش‌های پیشینیان استفاده کرده و می‌نویسد:

وأما الجواب عن خبر سعيد بن عمر مضافاً إلى ضعف سنده بسهل بن زیاد الذي ضعفه النجاشي والكشي، أنَّه غير معمول به في مورد...^۳

۱. هرچند توصیفات ایشان در دوجا مورد قبول واقع نخواهد شد؛ نخست در موارد تعارض آراء رجالیان و دوم مواردی که توصیف رجالی متقدم، مبتنی بر برخی مبانی اعتقادی وی باشد مانند مسأله غلو و مبناى او بر ما پوشیده باشد یا اصلاً مورد پذیرش قرار نگیرد. قید «غالباً» برای تنبیه به استثنای مذکور است.

۲. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۵، ص ۴۸۸.

۳. المناظر الناضرة (زکات)، ج ۱، ص ۱۱۱.

توصیفات رجالی متأخران

در اعتبار توصیفات رجالی پسینیان همواره میان عالمان اختلاف بوده است. بسیاری از بزرگان سخنان ایشان دربارهٔ راویان حدیث را نپذیرفته‌اند؛ زیرا توصیفات آنان به دلیل بُعد عهد از عصر معصومان علیهم‌السلام، فقدان بسیاری از شواهد و نیز احتمال اجتهاد و استناد آنان به منابع و اطلاعاتی که در دسترس ما نیست، بی اعتبار خواهد بود؛ اما برخی فقیهان از جمله آیت الله علوی، سخنان توصیفی متأخران را به خاطر برخی نکات پذیرفته‌اند که تبیین آن مجال دیگری می‌طلبد. هرچند به نظر می‌رسد مبنای موثوق الصدوری ایشان نسبت به روایات به صورت خاص و رویکرد اطمینان محورشان در تعامل با ادله به صورت عام در این دیدگاه بی تاثیر نباشد.

برای نمونه می‌نویسد:

فإنّ هذا الخبر وإن كان من حيث السند مقبولا في الجملة لكن قد وقع الكلام في حق المثنى بن الوليد الحنات فبرغم أنه لم يضعفه أحد ولكنه لم يرد في حقه توثيق إلا ما قاله العلامة في الخلاصة وتحرير الطاووسى من أنه لا بأس به وجاء في البلغة والوجيزة أنه ثقة بناءً على كون المراد من لا بأس هو ذلك.^۱

یا در جای دیگر می‌فرماید:

ويرد عليه اولاً بأنه ضعيف من حيث السند، لأنّ فيه أحمد بن هلال العبرتائى البغدادي، هو غال وكان متهما في دينه وورد في حقه ذمّ من مولانا أبي محمد العسكري ع... هذا فضلا عن التضعيف الصادر عن المحقق الأردبيلي في جامع الرواة والعلامة في مختلف الشيعة في هذه المسألة، خصوصا مع كون الخبر معرضا عنه الأصحاب فيجب طرحه حتى لو كان منقولا عن مثل ابن أبي عمير...^۲

وی در موضع دیگری به توثیق علامه حلی در وثاقت راوی و تصحیح سند اکتفا می‌کند.^۳

راوی فاسد المذهب

برخی فقها مانند شهید ثانی بر گزارش‌های راوی فاسد المذهب ترتیب اثر نداده و در اعتبار آن

۱. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۳، ص ۴۲۱.

۲. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۳، ص ۴۲۰.

۳. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۲، ص ۱۶.



تردید کرده‌اند هر چند که راوی عامی توثیق شده باشد. برای نمونه شهید ثانی در مواجهه با روایتی که در سند آن سکونی عامی مذهب و حسن بن محمد بن سماعه واقفی قرار گرفته‌اند می‌نویسد:

و الروایتان ضعيفتا السند الأولی بالحسن بن سماعه والثانية بالسکونی...^۱

در مقابل گروه دیگری فساد مذهب را مخل به اعتبار حدیث ندانسته و در صورت موثق بودن راوی غیر امامی روایات وی را پذیرفته‌اند.

آیت‌الله علوی گرگانی یکی از باورمندان به نظرگاه دوم است. وی در یکی از مواضع به هنگام مواجهه با راوی فاسد المذهب می‌نویسد:

وأما الاشکال فی سنده من ناحية غیث بکونه بتربیا وضعیف فی روایتیه غیر معمول بها، کما فی الجواهر والمعتبر والحداثق فمخدوش من جهة توثیق النجاشی له وهوکاف فی وثاقته ولوکان بتربیا...^۲

ایشان در جای دیگری می‌نویسد:

وأخری: ضعفه من جهة عثمان بن عیسی الذی کان واقفیا. لکنه مخدوش بأنّ الشیخ نقل فی عدّة الأصول الإجماع علی العمل بروایتیه بل روی عن الكلینی [الکشی هوالصحیح] أنه عدّد جماعة وقال أنه ممن أجمعت العصابة علی تصحیح ما یصحّ عنهم. وأیضا نقل أنه تاب ورجع من الوقف. مضافا إلى أنه ثقة برغم وقفه وهوکاف فی الأخذ بخبره إلا علی مسلك صاحب «المدارک» حیث یعتبر فی العمل کون الراوی إمامیا...^۳

در موردی دیگر آیت‌الله علوی صرف موثق بودن راوی را در پذیرش گزارش وی کافی انگاشته و فطحی بودن او را مخل به اعتبار خبر ندانسته است.^۴

۱/۲. توثیقات عام

بخش دوم از راهکارهای توثیق، توثیقات عام هستند. مراد از توثیق عام آن است شخصی که دارای صلاحیت توثیق است عده‌ای از روایان را در ضمن عنوانی عام توثیق کند مانند آنکه ابن قولویه

۱. الروضة البهیة، ج ۲، ص ۳۳۰.

۲. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۱، ص ۳۱۰.

۳. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۱، ص ۲۲۳.

۴. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۲، ص ۳۰۴.

که از قدما است و توصیفات وی در حق راویان مورد پذیرش است بگوید: تمامی راویانی که در کتاب «کامل الزیارات» از آنان نقل کرده‌ام ثقه هستند. بی‌تردید توثیقات عام نقش به‌سزایی در موثق دانستن بسیاری از راویان خواهد داشت. آیت‌الله علوی گرگانی به گستردگی از توثیقات عام در معتبر دانستن راویان بهره برده‌اند. برای نمونه برخی موارد را هرچند گذرا بررسی خواهیم کرد.

اصحاب اجماع

یکی از مهم‌ترین و پربسامدترین قواعد توثیق عام، بحث اصحاب اجماع است. منشأ پیدایش این نظریه، سخنی از کشی است که شیخ طوسی آن را در کتاب اختیار معرفة الرجال گزارش می‌کند. کشی در چند موضع به گاه یادکرد از اصحاب امام باقر و امام صادق، امام کاظم و امام رضا علیهم‌السلام، یادآور اجماع طائفه بر پذیرش گزارش‌هایی می‌شود که برخی اصحاب ائمه علیهم‌السلام در طریق آن قرار گرفته‌اند.^۱ اصحاب اجماع که در سه گروه اصحاب باقرین علیهم‌السلام، اصحاب امام صادق علیه‌السلام و اصحاب امام کاظم و امام رضا علیهم‌السلام قرار دارند دست کم هجده نفر و برخی عدد آنان را تا بیست و دو نفر رسانده‌اند.

آیت‌الله علوی گرگانی این قاعده را پذیرفته و به فراوانی در توثیق راویان از آن بهره برده است. ایشان در کتاب لئالی الاصول می‌نویسد:

أَنَّ جبر الخبر بالشهره ليس معناه كون المخبر ثقه، كما هو الحال في أصحاب الإجماع الذي قيل في حَقِّهم إنَّه يصح ما يصحَّ وروده عنهم، أي يوجب وقوع ابن أبي عمير في سلسلة السند موجبا لكون الراوي الذي قبله ثقه، كما نُقل عن بعض بآئه لا يروى إلا عن الثقه المفهم لهذا المعنى، حتَّى يستلزم صحَّه سند كلِّ خبرٍ وقع فيه هذا الراوي إذا كان باقى الرواه غير ثقات، ولو لم يكن فيه من أصحاب الإجماع...^۲

به نظر می‌رسد برخی عبارات ایشان ظاهر در معتبر بودن حدیثی است که اصحاب اجماع گزارش‌گر آن هستند و اشاره‌ای به توثیق اساتید آنان ندارد.^۳ اما با ملاحظه به تصریح وی در کتاب

۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید: «اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق» و «دروس تمهیدية في علم الرجال» و «کلیات في علم الرجال»، ذیل بحث توثیقات عام، اصحاب اجماع.

۲. لئالی الاصول، ج ۵، ص ۵۴.

۳. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۲، ص ۴۹۶ و ج ۱، ص ۱۳۸؛ المناظر الناضرة (زکات)، ج ۱، ص ۷۰.

لغالی که گذشت و برخی سخنان دیگر ایشان می‌توان گفت که این قاعده نزد ایشان برای توثیق اساتید اصحاب اجماع نیز کارآمد خواهد بود:

والمراد من ابن مسکان غالباً هو عبدالله بن مسکان الذی کان من أصحاب
الاجماع فهو أمر آخر یوجب توثیقه [أبی بصیر].^۱

یا در جای دیگر می‌فرمایند:

هذا ولكن يمكن أن يجاب عنه أولاً: بأن الواقع في سلسلة سند الحديث، وقع فيه حسن بن محبوب الذي يعدّ من الأركان الأربعة بل هو من أصحاب الاجماع على ما صرح بذلك الكشي بقوله: أنه ممّن أجمع أصحابنا على تصحيح ما يصحّ عنهم وتصديقهم، وأقرّوا له بالفقه والعلم. هذا، كما في جامع الرواة في ترجمته فراجع. وهكذا يثبت توثيق من وقع بعده من على بن الحسين بن رباط وعبد الأعلى لوكانا غير موثقين بشهادة تصريح الكشي بذلك.^۲

آیت‌الله علوی گرگانی علاوه بر آنکه روایات اصحاب اجماع را معتبر و مشایخ آنان را ثقه می‌انگارد، اعتبار مرسلات ایشان را نیز از قاعده اصحاب اجماع قابل استفاده می‌داند:

و أمّا الإشکال فيه بكونه مرسلًا: فقلنا: إنه غير مضرّ إذا كان المرسل مثل حمّاد بن عيسى الذي هو ممّن أجمعت العصابة على تصحيح ما يصحّ عنه و من أصحاب الإجماع.^۳

مشایخ الثقات

از گروهی از بزرگان حدیث و راویان مشهور به عنوان مشایخ ثقات یاد شده و از این عنوان دو امر استفاده شده است: الف) تمام کسانی که مشایخ ثقات از آنان روایات کرده‌اند در حکم ثقه خواهند بود؛ ب) همان گونه که به مسانید آنان عمل می‌شود، به مراسیل آنان نیز عمل می‌گردد.^۴ خاستگاه این قاعده سخنی از شیخ طوسی در کتاب «العدة» است که می‌فرماید:

۱. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۱، ص ۲۲۳. نیز بنگرید: المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۳، ص ۲۰۷.

۲. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۳، ص ۱۶۴.

۳. المناظر الناضرة (خمس)، ص ۳۷۳.

۴. برای نمونه بنگرید: اصول علم الرجال، ص ۳۹۹؛ دروس تمهیدیه فی القواعد الرجالية، ص ۱۸۴.

ولأجل ذلك سوت الطائفة بين ما يرويه محمد بن أبي عمير، وصفوان بن يحيى، وأحمد بن محمد بن أبي نصر وغيرهم من الثقات الذين عرفوا بأنهم لا يروون ولا يرسلون إلا عن يوثق به وبين ما أسنده غيرهم، ولذلك عملوا بمراسيلهم إذا انفردوا عن رواية غيرهم.^۱

آیت الله علوی گرگانی به مفاد این قاعده پایبند بوده و به گستردگی در توثیق راویان و معتبر دانستن مراسلات ایشان بهره برده است. برای نمونه می‌فرماید:

ومما استدل ... هو مرسل ابن ابی عمیر الذی یعدّ کالمسند لذهاب الاصحاب علی قبول مراسیله لأنه یعد ممن أجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنه وأنه لا یروی الا عن ثقة کما عن عدّه الأصول.^۲

میان فقها اختلاف است که آیا نقل مشایخ ثقات از راوی، تنها وثاقت راوی مجهول در همان روایت را اثبات می‌کند یا در همه موارد؟ به این بیان که راوی مجهول با این قاعده توثیق می‌شود اما توثیق محدود به همین روایت است و اگر این عنوان [راوی] در اسناد روایات دیگری قرار گرفت ثقه نخواهد بود. آیت الله علوی این توثیق را محدود به همان روایتی می‌داند که یکی از مشایخ ثلاث از راوی مجهول گزارش کرده‌اند و آن را به روایات دیگر سرایت نمی‌دهند:

أما عن جهالة الكرخي فإنه قد جاء ذكره في رواية اخرى وفي سندها ابن أبي عمير، فهل هذا مما يوجب وثاقته، حتى في غير تلك الرواية. مضافاً إلى احتمال كون حسن بن محبوب من أصحاب الإجماع. ولكن الإنصاف عدم تمامية شيء منهما، لأن ظاهر قبول رواية ابن أبي عمير عن يرويه، لأنه لا يروي إلا عن ثقة، وهذا النص مخصوص لتلك الرواية الواقعة في سلسلته لا مطلقاً.^۳

نقل شیخ صدوق از راوی در کتاب فقیه

توثیق عام دیگری که آیت الله علوی بدان تمسک جست‌ه‌اند گزارش شیخ صدوق از یک راوی است زیرا وی در مقدمه کتاب من لا یحضره الفقیه شهادت داده که از غیر ثقه نقل نمی‌کند:

ثم لا یخفی علیک أنّ مضمون حدیث زرارة قد رواه الصدوق فی الفقیه وهو

۱. العدة في اصول الفقه، ج ۱، ص ۱۵۴.

۲. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۵، ص ۱۹۳. نیز بنگرید: المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۱، ص ۱۲۳؛ المناظر الناضرة (صلاة)، ج ۴، ص ۳۲.

۳. المناظر الناضرة (صلاة)، ج ۱، ص ۴۰۹.

حدیث صحیح بشهادة الصدوق نفسه فی دیباجة كتابه بأنه لا یروی فیها إلا عن ثقة ویعتمد علیها فی فتواه ...^۱

۱/۳. امارات توثیق

بحث از امارات توثیق نیز سابقه‌ای بس طولانی دارد. امارات توثیق غیر از بحث توثیقات عام است هر چند بسیاری از بزرگان میان آن دو تفاوتی نگذاشته و همه مباحث را ذیل توثیقات عام مطرح کرده‌اند. گفته شد که در امارات توثیق، شخصی، دیگران را توثیق نمی‌کند بلکه شواهدی که می‌تواند بر وثاقت یک راوی اقامه شود بررسی و در ضمن یک قاعده بیان می‌شوند. برای نمونه بحث کثرت روایت که گفته شده اگر راوی در ابواب مختلف روایات زیادی را نقل کرده و به اصطلاح پرکار باشد، همین کثرت روایت اماره بر وثاقت وی خواهد بود. آیت‌الله علوی گرگانی در این راستا می‌نویسد:

برغم عدم ورود توثیق خاصّ فی حقّ الصیقل بآنّه وإن لم یوثقه علماء الرجال بالخصوص، ولكن قال صاحب «بهجة الآمال»: (بل ویظهر من المصنّف أنّ کتاب حسن بن زیاد الصیقل معتمد الأصحاب، ویظهر من کثرة روايته، مع سلامة الجميع حسنه ... إلى آخر كلامه). ولأجل ذلك عبّر عنه صاحب «الجواهر» وصاحب «الحدائق» بالصحيح...^۲

امارات توثیق قابل شمارش نبوده و فراوانند. آیت‌الله علوی نیز در موارد قابل توجهی از آنها سود جستند؛ برای نمونه نقل برخی محدثان سختگیر از راوی را اماره وثاقت وی برشمرده و می‌نویسد:

ولكن قد یحتمل كون الروایتین واحدةً وسقط علی بن أحمد بن أشیم عن الروایة السابقة، فتسقط کلتاهما عن الاعتبار؛ لمجهولية ابن أشیم؛ لأنّ الراوی والمروی فی کلتیها واحدٌ، ومضمونهما متقاربٌ. ولكن یمکن تأیید الخبر بسبب نقل أحمد بن محمّد بن عیسی عنه، وهو الذی أخرج أحمد بن محمّد بن خالد البرقی عن قم بروایتیه عن الضعفاء، فکیف یروی بنفسه عن الضعفاء!؟ فیؤید ذلك كون ابن أشیم من الثقات. مضافاً إلى نقل الصدوق عن ابن أشیم الکاشف کونه ممّن یرضی عنه الصدوق فی نقل الحدیث، وكذا أحمد بن محمّد بن خالد البرقی عنه، كما فی جامع الرواة.^۳

۱. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۱، ص ۴۰۷.

۲. المناظر الناضرة (صلاة)، ج ۷، ص ۲۱۲. نیز بنگرید: المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۵، ص ۲۵۰.

۳. المناظر الناضرة (زکات)، ج ۲، ص ۴۶۲.

نمونه دیگر، اکتار اجلاء و مشایخ از راوی است. وی در بحث توثیق سهل بن زیاد می‌نویسد:

ولكن الأمر في سهل بن زياد سهل - كما عن الشيخ الأنصاري قدس سره -
فضلاً عن توثيق الشيخ له، ونقل المشايخ عنه روايات كثيرة في أبواب الفقه،
الدال على كونه مرضياً عندهم، فهذا الدليل تام في ذلك»^۱.

نمونه دیگر آنکه اگر راوی میان اصحاب معروف بوده و جرح نشده باشد نشان‌گر وثاقت وی خواهد بود:

هذا، وقد نوقش في الخبر من جهة ضعف سنده بعبد الله بن الحسن، والشهرة
بالمعنى ليست على حدّ توجب الانجبار فيه لكثرة المخالف، فالاعتماد عليه في
الحكم بالمنع مشكّل. فيه: لا يمكن المساعدة مع القول، لأنّ اعتباره ضعيفاً
ضعيفاً، لأنّه كان من أعيان العلويين، ولم يرد في حقّه قرح وهو كافٍ في ثبوت
توثيقه، كما لا يخفى. ولو أغمضنا عن ضعفه لاعتماد المشايخ على العمل
برواية عبد الله بن الحسن في موارد كثيرة فلا بدّ...^۲

اماره دیگری که وی برای توثیق راوی بدان تمسک کرده‌اند نقل مشایخ قم از یک راوی است. ایشان که معروف به سخت‌گیری و رعایت حداکثری استانداردهای تحدیث بودند اگر از کسی روایت کنند دلیل بر وثاقت مروی عنه خواهد بود.^۳

۲. منبع حدیثی و نگارنده آن

راهکار دیگر برای اطمینان به صدور روایت واری و دقت در منبع گزارش‌گر حدیث و نگارنده آن است. اهتمام به جایگاه و اعتبار مصدر حدیثی و موقعیت مؤلف نزد اصحاب همواره یکی از شواهد اطمینان‌زا به صدور اخبار بوده است. بحث از منابع حدیثی در سه بخش اعتبار کتاب، نسخه و نگارنده آن نمود دارد که سخنان آیت‌الله علوی را در این سه محور مرور خواهیم کرد.

اعتبار کتاب منبع

آیت‌الله علوی گرگانی از بسیاری از کتاب‌هایی که مورد اختلاف اصحاب است گزارش کرده و مطابق آن فتوا می‌دهد. یقیناً رویکرد وی در پذیرش اخبار - مبنای موثوق الصدور - در کار بست روایات

۱. المناظر الناضرة (صلاة)، ج ۱، ص ۳۳۲.

۲. المناظر الناضرة (صلاة)، ج ۷، ص ۲۱۰.

۳. المناظر الناضرة (صلاة)، ج ۲، ص ۴۶.



این کتب که برخی از آنان از اعتبار چندانی برخوردار نیستند در این مواجهه بی‌تأثیر نبوده است. برای مثال در موارد فراوانی ایشان از کتاب‌هایی مانند فقه الرضوی، دعائم الاسلام، جعفریات، کتاب آیات الأحکام یا قصص الأنبياء قطب راوندی، تحف العقول و... گزارش کرده‌اند. ایشان درباره برخی کتاب‌ها به صورت معین اظهار نظر کرده، اعتبار روایات برخی را مطلقاً و برخی را در صورت تعارض نپذیرفته است که به چند مورد اشاره می‌شود.

کتاب فقه الرضا علیه السلام: آیت‌الله علوی گرگانی روایات کتاب فقه الرضا را در صورت وجود مشابه و

عدم انفراد پذیرفته‌اند^۱ وی در این باره می‌نویسد:

أقول: قد استقصى المحقق النوری فی المستدرک المجلّد الثالث بالطبع القديم بصفحة (۳۳۶) الأقوال الموجودة بالنسبة إلى کتاب فقه الرضا من جهة القبول فی کونه لثامن الأئمة: أو لغيره م من انتسب إليه من علی بن بابويه و غيره علی أربعة أو أزيد، و نحن ممن يقول بالقبول تأييداً فيما وجد فيه رواية من غيره، إذا لم يكن له معارض من الأخبار، و إلا لا يمكن له المقاومة بالمعارضة، و فی المقام بالنسبة إلى الميراث الذي يحتسب يكون كذلك فی عدم تعلق الخمس به علی حسب الروایات.^۲

هر چند در برخی موارد [تعارض اخبار] بدون اشاره به نکته یادشده، روایت این کتاب را به‌خاطر ضعف مصدر نپذیرفته است.^۳

دعائم الاسلام: کتاب دیگری که ایشان پیرامون آن نکاتی را بیان کرده‌اند کتاب دعائم الاسلام است که اخبار آن را از باب تأیید می‌پذیرند، برای نمونه در جایی می‌نویسد:

دانسته شد که سند این حدیث محل اشکال است زیرا روایت در کتاب دعائم الاسلام اثر ابوحنیفه نعمان بن محمد قاضی مصر آمده و او نخست مالکی مذهب بوده و سپس شیعه شده است بنابراین حدیث او به‌عنوان مؤید و شاهد پذیرفته خواهد بود نه به‌عنوان دلیل.^۴

۱. المناظر الناضرة (خمس)، ص ۲۳۵.

۲. المناظر الناضرة (خمس)، ص ۲۳۵.

۳. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۱، ص ۱۳۸.

۴. المناظر الناضرة (زکات)، ج ۱، ص ۳۱۷.

یا در موضع دیگری می‌فرماید:

همانا حدیثی که در کتاب دعائم گزارش شده است دلیل بر حکم شرعی به‌شمار نمی‌رود و تنها از باب تایید می‌توان بر آن تکیه کرد و ما تحقیق این مطلب را در جای خودش بیان کردیم...^۱

کتاب اشعثیات: کتاب جعفریات یا اشعثیات که تمام روایات آن را محمد بن محمد بن اشعث از موسی بن اسماعیل از اسماعیل بن جعفر از امام صادق ع گزارش می‌کند یکی دیگر از کتبی است که آیت‌الله علوی گرگانی پیرامون آن بحث کرده‌اند، ایشان ذیل روایتی از کتاب اشعثیات نکته‌ای را از آیت‌الله بروجردی نقل و آن را تایید می‌فرماید. محقق بروجردی کتاب اشعثیات را قابل اعتماد نمی‌دانستند زیرا نگارنده آن ساکن مصر بوده و از حوزه‌های دینی و علمی حدیثی آن روزگار به دور بوده است. در نتیجه فنون و مهارت‌های لازم برای تحدیث مانند سماع از مشایخ یا قرائت بر آنان و اجازه نقل از ایشان و... که اساس گزارشگری و اطمینان به نقل بر آنها استوار است را نداشته است.^۲

عوالی اللئالی: کتاب دیگر کتاب عوالی اللئالی است. آیت‌الله علوی گرگانی در اعتبار کتاب عوالی و روایات آن تردید نموده و احادیث آن را تنها از باب مؤید پذیرفته‌اند. ایشان روایتی را به‌خاطر آنکه در کتاب عوالی گزارش شده است ضعیف انگاشته و علت آن را ضعف کتاب عوالی بیان می‌کند. وی بر این باور است که این کتاب شامل اخبار صحیح و ضعیف و مقبول و مردود است و میان آن اخبار خلط شده به‌گونه‌ای که تمییز سره از ناسره ناممکن یا بسیار دشوار است در نتیجه اعتماد بر گزارش‌های آن را در صورت انفراد و عدم نقل با طریق دیگر، خالی از تأمل ندانسته‌اند.^۳

اعتبار مؤلف

نگاه به جایگاه نگارنده کتاب و شناخت شیوه وی نقش مهمی را در ارزش‌گذاری روایات آن ایفا خواهد کرد. برای نمونه آیت‌الله علوی گرگانی در هنگام بحث از مؤلف کتاب فقه الرضا می‌نویسد:

ولکن الإشکال فيه من جهة كتاب فقه الرضوى؛ لوقوع الكلام في كونه عن الإمام أو لعلي بن بابويه وإن ادعى قرب كونه للثاني؛ إذ تعهد في كتابه المسمى بالشرائع أن يطابق فتاويه مع متون الأحاديث، فلعله كان من

۱. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۲، ص ۴۹۴.

۲. المناظر الناضرة (صلاة)، ج ۷، ص ۲۸.

۳. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۱، ص ۴۲۴.

تألیفه...^۱

نمونه دیگر درباره مؤلف کتاب دعائم الاسلام است. ایشان دیدگاه تحقیق را آن می‌داند که کتاب دعائم تألیف نعمان بن محمد مغربی است نه شیخ صدوق. قاضی نعمان در زمان خلافت اسماعیلیان می‌زیسته که قائل به امامت اسماعیل بودند و می‌گفتند او همان مهدی موعود است که از دیده‌ها پنهان گشته و روزی ظهور خواهد کرد. بنابراین نعمان از امامان بعد از حضرت صادق علیه السلام روایتی ندارد که احتمالاً به خاطر تقیه بوده است این احتمال در مورد برخی مخالفت‌های وی با مسلمات مذهب امامیه مانند حلیت متعه وجود دارد در نتیجه تنها از باب تأیید و تأکید می‌توان بر روایات این کتاب اعتماد کرد اما روایاتی که مضمون آنها مخالف مذهب هستند - به‌ویژه در مواردی که احتمال تقیه در آن وجود دارد - قابل پذیرش نخواهند بود.^۲

در مثالی دیگر درباره شخصیت مؤلف کتاب عوالی می‌نویسد:

ابتدا سخن از شخصیت نگارنده مطرح است؛ او عالمی متکلم و جامع دانش‌های عقلی و نقلی بوده است اما برخی مانند صاحب روضات الجنات او را به تصوف و افراط در آن متهم نموده‌اند.^۳

اعتبار نسخه

توجه به نسخه بدل‌های یک حدیث در منابع متعدد نیز در دستیابی به متنی صحیح از حدیث و در پی آن استظهار و برداشتی مطلوب، بسیار مؤثر خواهد بود. آیت‌الله علوی اهتمام و عنایت ویژه‌ای را به بحث نسخ روایات مبذول داشته‌اند:

أولاً: بأنّ النسخ الموجودة في كتب الأحاديث من الكافي والوافي والوسائل هو قوله «فما حرثته» ولكنّ الموجود في الكتب الاستدلالية كالمدارك والجواهر والحدائق هو لفظ «تاجرته» والاعتبار بالأولى لا الثانية. ولعلّه أخذ الحديث من الكتب الاستدلالية أو نقل عنهم تلامذته حين الكتابة...^۴

ایشان نسخه گزارش‌های کافی را به خاطر اضطراب بودن کلینی بر دیگر نسخ برتری داده و مقدم

۱. المناظر الناضرة (زکات)، ج ۲، ص ۴۷۱.

۲. المناظر الناضرة (زکات)، ج ۱، ص ۲۷۳.

۳. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۱، ص ۴۲۴.

۴. المناظر الناضرة (زکات)، ج ۲، ص ۴۸۹.

دانسته است.^۱ به عنوان مثال می نویسد:

فحينئذٍ يحكم بتقدم نقل الكافي على التهذيب والاستبصار لأن الكليني كان
أضبط منهما.^۲

نکته قابل توجه اهتمام آیت الله علوی گرگانی به نسخه های سنگی و خطی احادیث است:
هو دلالة حديث اسحاق بن عمار عن جعفر عن أبيه (وفي النسخ المخطوطة
والحجرية أبي جعفر) أن علياً عليه السلام قال ...^۳

۳. مضمون روایت

دسته سوم از قرائنی که موجب وثوق به صدور خبر از معصوم علیه السلام می شود مضمون، مفاد و محتوای حدیث است. برخی اوقات متن روایت دارای ویژگی و فوق العادگی های خاصی است و بعضاً مشتمل بر عباراتی است که صدور آن جز از ناحیه معصوم علیه السلام احتمال نمی رود. این نکات خود بهترین شاهد برای اطمینان به صدور خبر خواهند بود. برای نمونه آیت الله علوی توقیع اسحاق بن یعقوب را به خاطر آنکه مضمونش موجب اطمینان به صدور آن از معصوم علیه السلام است می پذیرند؛ یا در جای دیگر می فرماید:

وليعلم أن عيسى بن المستفاد ضعيف، ولكن مضمون الحديث يشهد
بالصدق، والله العالم ...^۴

۴. امارات صدور

شایسته است تا در پایان به امارات و شواهدی که می توان برای صدور حدیث بدون نگاه به ناقل، منبع گزارش گر و مضمون آن اقامه کرد، به صورت گذرا اشاره کنیم. امارات وثوق به صدور حدیث فراوانند و آیت الله علوی گرگانی نیز بسیاری از آنها را برای اطمینان به صدور حدیث به کار بسته است. در اینجا چند اماره صدور که ایشان مطرح کرده اند را بیان می کنیم.

۱. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۴، ص ۳۲۰.
۲. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۱، ص ۵۴۹.
۳. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۴، ص ۱۱۸.
۴. المناظر الناضرة (خمس)، ص ۲۲۲.
۵. المناظر الناضرة (خمس)، ص ۲۲۵.



۱. اعتماد و نقل بزرگانی همچون کلینی، صدوق و شیخ طوسی مانند:
 وقد أورد عليه: بأنَّ سنده ضعيف، لجهالة يوسف بن إبراهيم. لكنّه مندفع أوّلاً:
 بأنّه... هذا فضلاً عن أنّه قد رواه المحدثون الثلاثة، و فيهم الصدوق الذي
 أخذ على نفسه أن لا يروى في «الفقيه» إلا ما هو حجّة بينه و بين ربّه.^۱

یا در مورد دیگری می‌نویسد:

فبعد اعتماد العلمين الشيخ والكليني اذ على هذه يكفينا في جواز الاعتماد كما
 لا يخفى...^۲

۲. وقوع اصحاب اجماع در سند:

گذشت که ایشان وقوع اصحاب اجماع را دلیل بر وثاقت اساتید ایشان می‌دانند اما ظاهر بلکه
 صریح برخی عبارات وی آن است که وقوع اصحاب اجماع فارغ از جنبه توثیق، اعتبار و صحت خبر
 را در پی خواهد داشت:

بضعف سنده كما قد صرح بذلك صاحب الحدائق ولعله لأجل زكريا بن
 مالك حيث لم يشاهد من الرجاليين في حقه توثيق. ولكن يمكن أن يجاب
 عنه: بأن ذلك لا يضرّ في اعتباره؛ لوقوع أصحاب الإجماع، مثل عبدالله بن
 مسكان وصفوان بن يحيى، في سلسلة السند، وهما ممن أجمعت العصابة
 في تصحيح ما يصحّ عنهما، فتكون الرواية حينئذ مصحّحة قابلة للاعتماد
 لولا ما يرد عليه غير ذلك من الإشكال...^۳

یا در جای دیگر می‌فرماید:

مضافاً الی ما رواه ابوالربيع الشامي عن أبي عبدالله عليه السلام في الصحيح بسبب
 وقوع أصحاب الاجماع في السلسلة كحسن بن محبوب...^۴

۳. نقل حدیث توسط شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه به صیغه جازم:

آیت‌الله علوی گزارش صدوق در کتاب «فقیه» با الفاظ جزمی مانند «قال» را شاهدهی بر

۱. المناظر الناضرة (صلاة)، ج ۴، ص ۳۲.

۲. المناظر الناضرة (صوم)، ص ۱۶۷.

۳. المناظر الناضرة (خمسة)، ص ۳۸۲.

۴. المناظر الناضرة (زکات)، ج ۱، ص ۷۰.

صحت صدور آن انگاشته و می فرماید:

ثم لا يخفى عليك أنّ مضمون حديث زرارة قد رواه الصدوق في الفقيه وهو حديث صحيح بشهادة الصدوق نفسه في ديباجة كتابه بأنه لا يروى فيها إلا عن ثقة ويعتمد عليها في فتواه...^١

یا در موضع دیگری می نویسد:

ثم لا يخفى عليك أنّ مضمون حديث زرارة قد نقله الصدوق ره جزماً عن الامام وبعد الخبر معتبراً عنده لتصريحه في بداية كتاب من لا يحضره الفقيه بأنه يفتى على طبق الأخبار التي أوردها في الكتاب...^٢

همچنین می گوید:

ولا يخفى أنّ إرساله من الصدوق؛ هنا لا يوجب ضعفه؛ لأنه من الروايات التي أسند جزماً إلى الصادق، وقد تعهد في صدر من لا يحضره الفقيه ذكر ما هو المعتبر عنده في كتابه، وذكر لفظ قيل هنا لمجهولية شخص السائل وليس من قبيل روى الموجب لرساله...^٣

٤. وقوع بنوفضال در سند:

یکی دیگر از امارات صدور حدیث، وقوع بنوفضال در سند است. خاستگاه این توثیق روایتی از امام عسکری علیه السلام است که درباره کتابهای بنوفضال می فرماید:

خذوا ما رووا وذروا ما رأوا.^٤

فارغ از بحث سندی و دلالتی این گزارش برخی بزرگان مانند شیخ اعظم انصاری قاعده مذکور را پذیرفته و روایات ایشان را معتبر و مشایخ آنان را موثق پنداشته اند.^٥

آیت الله علوی گرگانی نیز از این قاعده در تصحیح روایات ایشان استفاده کرده است:

١. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ١، ص ٤٠٧.

٢. المناظر الناضرة (طهارت)، ج ١، ص ٤٦٥.

٣. المناظر الناضرة (زکات)، ج ٣، ص ١٩٣.

٤. الغيبة، ص ٣٩٠.

٥. کتاب النکاح، ص ٤٧٤.

إن رواية ابن فرقد وإن كانت مرسلة، إلا أن سندها إلى الحسن بن فضال صحيح، وهو إما ممّا أجمعت العصابة على تصحيح ما يصح عنه، بناء على كون عدد الإجماع أزيد من ثمانية عشر، وأمّا من الأبدال، بناء على الاقتصار. هذا، مع أن بنى فضال ممّن أمر بالأخذ برواياتهم، لقوله عليه السلام: (خذوا ما رَووا وذروا ما رأوا)، فإنه يدل بإطلاقه على حجّية رواياتهم مطلقاً، من مسانيدها ومراسيلها.^۱

از مجموعه مطالب یادشده، نکات زیر به دست می آید:

۱. آیت الله علوی گرگانی فقیهی توانمند، آگاه از مباحث اعتبارسنجی و رجالی و صاحب مبنا در آن بوده که نگاهی حداکثری به تراث حدیثی شیعه داشته اند.
۲. وی با مبنای موثوق الصدور در ارزش گذاری روایات بررسی های خود را محدود به سند و راوی ندانسته و در راستای احراز صدور روایت و اعتبار آن از شواهد و قرائن گوناگونی بهره برده است.
۳. اعتنای به شهرت فتوای اصحاب به ویژه متقدمان در اعتبار یا عدم اعتبار روایات در فقه ایشان نمود بسیاری دارد تا جایی که می توان به وی لقب «فقیه مشهوری» داد. عمل اصحاب به حدیث برترین راه برای تصحیح صدور روایت نزد ایشان است و در مقابل اعراض اصحاب از روایت نیز موهن صدور آن خواهد بود.
۴. وی در سه محور ۱. سند و راویان روایت، ۲. منبع حدیثی و ۳. مضمون خبر به اعتبارسنجی روایات پرداخته است.



۱. المناظر الناضرة (صلاة)، ج ۱، ص ۲۳۵. نیز بنگرید: المناظر الناضرة (طهارت)، ج ۱، ص ۷۴ و ۷۵.

فهرست منابع

۱. اصول علم الرجال بين النظرية و التطبيق، داوری، مسلم، تأليف و تحقيق: معلم، محمدعلی، قم: مؤلف، ۱۴۱۶ق.
۲. جواهر الكلام، صاحب جواهر، شيخ حسن نجفی، محقق و مصحح: عباس قوچانی و علی آخوندی، لبنان، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۴ق.
۳. دروس تمهيدية في القواعد الرجالية، ايروانی، باقر، قم: مدين، ۱۴۳۱ق.
۴. الروضة البهية، شهيد ثاني، زين الدين بن علی عاملی، شارح: سلطان العلماء، حسن بن محمد، قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ق.
۵. العدة في أصول الفقه، شيخ طوسی، محمد بن الحسن، قم: محمدتقی علاقبندیان، ۱۴۱۷ق.
۶. الغيبة للحجة، شيخ طوسی، محمد بن الحسن، محمد بن الحسن، محقق و مصحح: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم: دارالمعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ق.
۷. كتاب النكاح، شيخ انصاری، مرتضى بن محمدامين، محقق و مصحح: گروه پژوهش در كنگره، قم: ناشر: كنگره جهانی بزرگداشت شيخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق.
۸. لنالی الأصول، علوی گرگانی، سيد محمدعلی، سيد محمدعلی، قم: دار التفسير، بی تا.
۹. مصباح الأصول، خوئی، ابوالقاسم، قم: ناشر: موسسه احياء آثار الامام الخوئی، ۱۴۲۲ق.
۱۰. مصباح الهدی في شرح العروة الوثقى، آملی، محمد تقی، تهران: ناشر: مؤلف، ۱۳۸۰ق.
۱۱. «مقایسه روش اجتهادی صاحب جواهر و محقق خوئی»، علیدوست، ابوالقاسم و لطفی، محمدجواد، نشریه جستارهای فقهی و اصولی، سال ششم، شماره ۱۹، تابستان ۱۳۹۹ش
۱۲. المناظر الناضرة في احكام العترة الطاهرة (الخمسة)، علوی گرگانی، سيد محمدعلی، سيد محمدعلی، قم: فقيه اهل بيت عليه السلام، ۱۴۴۳ق.
۱۳. المناظر الناضرة في احكام العترة الطاهرة (الزكاة)، علوی گرگانی، سيد محمدعلی، سيد محمدعلی، قم: فقيه اهل بيت عليه السلام، ۱۴۴۳ق.
۱۴. المناظر الناضرة في احكام العترة الطاهرة (الصلاة)، علوی گرگانی، سيد محمدعلی، سيد محمدعلی، قم: فقيه اهل بيت عليه السلام، ۱۴۴۴ق.
۱۵. المناظر الناضرة في احكام العترة الطاهرة (الطهارة)، علوی گرگانی، سيد محمدعلی، بی جا، بی تا.